

# ماهیت و هنجارهای حقوقی حاکم بر قبرستان بقیع در فقه و حقوق بین الملل؛ با تأکید بر حقوق بین الملل اسلامی

سمیه آقایی نژاد<sup>۱</sup> و سید محسن قائمی خرق<sup>۲</sup>

## چکیده

مدیریت گردشگری، نظام حقوق و تکلیف‌های دولت‌های زائر فرست و زائر پذیر، امکان سهمیم شدن شهروندان دیگر کشورها - پیروان سایر ادیان و مذاهب - نسبت به قبرستان بقیع، جملگی مرتبط با مسئله «ماهیت و وضعیت حقوقی قبرستان بقیع» است؛ به همین دلیل این مقاله موضوع اصلی خود را بررسی ماهیت و وضعیت حقوقی آرامستان بقیع بر اساس یافته‌های تاریخی و فقهی و نیز تحلیل این سرزمین بر اساس نظام گزاره‌های سرزمینی حقوق بین الملل قرار داده است. از جمله نتایج این نوشتار توصیفی-تحلیلی می‌توان به ماهیت بین المللی سرزمین بقیع و احتساب آن در زمره منطقه بین المللی اشاره کرد که مدارک و ادله فقهی نیز این نظریه را تحکیم می‌کنند. در پی اثبات این ماهیت می‌توان به ترسیم نظام حقوقی حاکم بر این سرزمین از بُعد نظم حکمرانی، تنظیم‌گری در حوزه حق‌ها و تکلیف‌های گردشگران مذهبی و نیز دولت‌های اسلامی معاصر و... پرداخت.

**کلیدواژه‌ها:** قبرستان بقیع، مشترکات عامه، مناطق بین المللی، اماکن عبادی، حقوق

بین الملل سرزمین.

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله حائری یزدی، میبد، ایران.

(aghai.somayeh@yahoo.com)

۲. استاد حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(m.ghaemi313@gmail.com)

## مقدمه

در عرف بین‌الملل مکان‌هایی مقدس نزد پیروان ادیان و مذاهب وجود دارد. این مکان‌ها یا ساخته بشرند (مانند مسجدها، کلیساها، معبدها و قبرستان‌ها) یا پدیده‌های طبیعی هستند (مانند درختان، رودخانه‌ها، تپه‌ها و جنگل‌ها (هاشمی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲). در هر دو ساحت حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل، بسته به هویتی که برای این اماکن و مقدسات قائل هستند، گستره و ابعاد حمایتی برای این اماکن و نیز افراد ذی‌نفع نسبت به آنها - نسبت به رفت‌وآمد، مشارکت در تصمیم‌سازی، امنیت یا سهم شدن در منافع مکان و ... - تعیین می‌شود. گرچه حقوق بین‌الملل از حیث مصداقی هنوز به شناسایی تمامی اماکن مقدس نپرداخته است، اما برخی از مکان‌ها مانند واتیکان، کلیسای کاتولیک و بیت‌المقدس را شناسایی کرده است؛ برای نمونه بیت‌المقدس، بر اساس قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ میلادی سرزمینی با ماهیتی بین‌المللی است و «صلاحیت اعطای تابعیت» و «ارتباطات بین‌المللی» در حد دولت عضو جامعه بین‌المللی را داراست.

اما برخلاف این مناطق در خصوص ماهیت منطقه بقیع از حیث فقهی - حقوقی و از بعد «مالکیت» یا «انتفاع» از آن تاکنون در مجامع سخنی نرفته است. تنها اخیراً این سخن مطرح شده است که می‌بایست اداره حرم در اختیار کشورهای اسلامی قرار گیرد؛ غافل از آنکه این نظریه با حقوق بین‌الملل و آثار مطرح در این حوزه و لزوم جمع‌اندیشی میان باورهای مذهبی ذی‌نفع (حداقل میان شیعه و سنی) در بهره‌مندی از سرزمین بقیع امری مغفول است. بر همین اساس مسئله اصلی نوشتار حاضر، بررسی ماهیت حقوقی منطقه بقیع به عنوان مبنای اصلی در ترسیم نظام حقوق (مالی، حکمرانی، گردشگری، بین‌المللی، حقوق بشری و...) سرزمین بقیع است. بدیهی است که در تحلیل

حقوقی این منطقه بایستی به داده‌های تاریخی، فقه مقارن و نیز رویکردهای حقوق بین‌الملل عام نسبت به اماکن مقدس نیز توجه داشت؛ به همین دلیل در این مقاله نخست به تحلیل فقهی منطقه بقیع، سپس به ماهیت حقوقی این منطقه در پرتو حقوق بین‌الملل عام و حقوق بین‌الملل اسلامی (منطقه‌ای) و در قسمت نهایی به اقتضائات حقوقی ناشی از شناسایی ماهیت حقوقی بقیع خواهیم پرداخت.

### ۱. ماهیت فقهی «سرزمین بقیع»<sup>۱</sup>

پیوند وثیق جوامع و کنش‌های اجتماعی با آموزه‌های دینی و تأثیر این آموزه‌ها در تکوین هنجارها و نیز رفتار بین‌المللی حاکمیت‌ها و نهادهای بین‌المللی، از جمله دلایلی است که بررسی ماهیت سرزمین بقیع از منظر فقه را ضروری می‌سازد.

اهمیت حقوقی «حق ملت‌ها» نسبت به میراث فرهنگی - دینی را می‌توان در دربردارندگی این تعیینات بر نشانه‌ها و عبرت‌ها و مواعظی دانست که همان اوامر و نواهی الهی است؛ در حقیقت این میراث نشانگر فناپذیری زندگی دنیا و نعمات آن و زوال ثروت و جاه و سلطه است و این تنها خداوند است که باقی است؛ قرآن کریم می‌فرماید:

۱. بنا بر اسناد تاریخی، تعیین بقیع به عنوان قبرستان مسلمین، با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و گسترش این شهر و به دست آن حضرت بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۰۳)؛ همچنان‌که ایشان فرمود: «من به این مکان فرمان یافته‌ام» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۶۰۰). اولین کسی که در آنجا بنا بر توصیه پیامبر ﷺ دفن شده است، عثمان بن مظعون بود. همچنین برخی از کشته‌شدگان جنگ احد و ابراهیم، فرزند گرامی پیامبر، در آنجا به خاک سپرده شده‌اند. از دیگر افرادی که در این مکان به خاک سپرده شده‌اند، چهار امام شیعیان (امام حسن مجتبی، امام سجاد، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم‌السلام)، همسران پیامبر ﷺ (غیر از حضرت خدیجه و میمون)، عباس بن عبدالمطلب، فاطمه بنت اسد، مادر حضرت عباس علیه‌السلام و... هستند. (نجفی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۵؛ ابن شیه، ج ۱، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۶) این سرزمین و بارگاه‌های موجود در آن، در ۸ شوال سال ۱۳۴۴ قمری، به دست وهابیان غارت و تخریب شد. (صبری‌پاشا، ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۶).

﴿أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾. (روم: ۹)

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ﴾. (آل عمران: ۱۳۷)

همچنین هویت امت و مقومات کیان فرهنگی و تمدنی نیز بسته به میراث فرهنگی است؛ به عبارت دیگر این اموال، ثروت فرهنگی است که نشانگر ارزش‌ها، فکرها و اعتقادات و عادت‌های ملت‌هاست و در جزئیات و تفصیل، امتداد فرهنگ گذشته است و شاهی اساسی بر فعالیت‌های فکری و تاریخی و علمی گذشتگان است (فهیمه، ۲۰۱۱م، ص ۵).

در فقه امامیه و فقه عامه، رویکردهای مختلفی نسبت به ماهیت مقابر تاریخی و مشاهد مشرفه<sup>۱</sup> وجود دارد که می‌توان آنها را به صورت ذیل صورت‌بندی کرد. پیش از آن لازم به ذکر است که در تاریخ، رویکرد به بقیع به عنوان یک زمین موات بالاصاله بوده (مستوفی، ۱۳۶۴ش، ص ۱۹۰) و حتی گزارش‌هایی نیز نسبت به احیای قسمت‌هایی از بقیع و سکونت مسلمانان در آن، در سال‌های دوم تا دهم قمری وارد شده است (کعکی، ۲۰۱۲م، ج ۱، ص ۵۴۷).

در خصوص ماهیت فقهی بقیع به عنوان یک قبرستان تاریخی یا یکی از مشاهد مشرفه باید گفت که عموماً فقها مقابر را در دسته اراضی‌ای قرار می‌دهند که در ملک کسی نیست و برای حقوق عامه مردم محبوس است. (حلی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۰۵؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۳۸، ص ۷۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۳، ص ۲۵۵) در حقیقت نوعی اشتراک در انتفاع این سرزمین وجود دارد که هر کس می‌تواند در بهره‌برداری سهم و شریک شود؛ به عبارت دیگر

۱. منظور از مشاهد مشرفه، ضریح معصوم علیه السلام (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ص ۹۹) یا قبر ائمه معصومین علیهم السلام است. (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ وجدانی فخر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۶۳).

اماکن مشرفه از مشترکات هستند و همه مسلمانان در بهره‌گیری از آن‌ها برابرند، مگر آنکه از مصادیق افراد ممنوع باشند، نظیر جنب، حائض و نفساء (محقق داماد، ۱۴۰۶م، ج ۱، ص ۲۹۱؛ همچنین ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۹ش، ص ۸۵).

توضیح آنکه مشترکات عمومی یکی از قالب‌های تحلیل ماهیت فقهی ملکیت و بهره‌برداری است که بر اساس آن، مال از آن عموم خواهد بود ولی با این قید که امکان حصول ملکیت خصوصی برای افراد و بخش خصوصی ممتنع است و امکان واگذاری این مشترکات و سرمایه‌ها به مردم وجود نخواهد داشت (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۱۸)، برخلاف مباحات عمومی که گرچه تصرف در آنها برای عموم مردم مباح و حلال است، اما ملک هیچ‌کس نیست و امکان به ملکیت درآوردن آنها وجود دارد و همگان در این قابلیت، مساوی هستند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۸).

بنابراین در این رویکرد مشاهد مشرفه انبیای عظام و ائمه اطهار علیهم‌السلام در احکام مانند مساجد هستند و همه مسلمین در استفاده مشروع از آنها با هم برابرند؛ چه ساکن بلاد همان مشاهد باشند یا از بلاد دیگر به آنجا بیایند (شریفی اشکوری، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۳۵۵). برخی از اندیشمندان عامه نیز میراث فرهنگی و تراث از قدیم برجای‌مانده را میراثی برای «همه امت» دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که حتی اگر از قبیل محرمات و نشانگر شرک و عبادت اصنام باشد، باز هم بایستی حرمت آن نگاه داشته شود (القرضاوی، ۲۰۰۶م، ص ۸۰۴).

عده‌ی دیگری از فقیهان امامیه و عامه نیز در جایی که زمین خودش یا آنچه روی آن یا درون آن است، مملوک فرهنگی باشد - مانند قلعه یا قبور تاریخی - را از قبیل اموال عمومی می‌دانند. (الخفیف، ۱۹۹۶م، ص ۲۴۷؛ الصدر، ۱۹۸۷م، ص ۶۹۸) در این نظریه گاهی اموال فرهنگی در زمین موات واقع می‌شود. زمین موات نیز زمین خرابه‌ای است که مردم از آن انتفاع نمی‌برند. این زمین ملک کسی نیست و کسی حقی خاص در آن ندارد؛ بنابراین این زمین مملوک امام

خواهد بود.<sup>۱</sup> (الخفیف، ۱۹۹۶م، ص ۲۴۷؛ الصدر، ۱۹۸۷م، ص ۶۹۹).<sup>۲</sup>

در تحلیل این رویکردها باید در نظر داشت که اصل تعلق مشاهد مشرفه به مسلمانان به صورت عمومی، امری اجماعی و اثبات شده میان فقهاست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۳۴؛ حلبی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۵؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۲)، البته نه به مانند مباحات که امکان برقراری سلطه و مالکیت خصوصی نسبت به آن وجود داشته باشد. در خصوص معنای این تعلق نیز رویکردهای مختلفی از متون فقهی قابل استحصال است؛ برای نمونه برخی - مانند مرحوم اصفهانی - معتقدند که پذیرش مالکیت مسلمانان، اعم از موجودین و معدومین، بر این قبیل اموال با ایرادهایی مواجه است؛ از جمله آنکه مالکیت معدومین برخلاف اعتباریات عرفی است. همچنین پذیرش این نوع مالکیت ملازم با توارث این اراضی بین مسلمین است، در حالی که این زمین‌ها به ارث نمی‌رسد. سوم آنکه این نوع مالکیت باید مانع از حق تصرف شخصیتی غیر از مسلمین باشد، در حالی که ولی امر جامعه حق تصرف و سرپرستی این اراضی را دارد. (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳) بنابراین در این نظریه هیچ‌گونه مالکیتی - شخصی یا مشاعی - برای مسلمانان نیست و این اراضی مانند بیت‌المال برای مصالح عمومی مسلمانان قرار داده شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸ش، ص ۶۸؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ص ۳۷۴)

۱. الارض التي لا رب لها للامام.

۲. وفق همین نظریه در برخی کشورهای اسلامی - مانند الجزائر - اموال فرهنگی غیر منقول بر اساس قوانین متعددی - از جمله المرسوم التنفيذي ۰۳-۲۲۲ و المرسوم التنفيذي ۰۳-۲۲۳ - حمایت می‌شود و هویت حقوقی آنها املاک عمومی تابع دولت است؛ به این معنا که بر اساس ماده ۶۸۸ قانون مدنی، این اموال بالفعل یا به مقتضای نص قانونی برای مصلحت عمومی یا اداره یا مؤسسات عمومی یا هیئاتی دارای ویژگی اداری اختصاص یافته است و بر این اساس، غیر قابل تصرف است و هرگونه تصرف در آن باطل است (حماد، ۲۰۰۲م، ص ۱۴). همچنین تقادم و وضع ید به مدت طولانی بر این اموال نمی‌تواند موجب مالکیت باشد و این امر با عمومی بودن این اموال تنافی دارد. همچنین امکان توقیف قضایی این اموال نیز در راستای دیون شخصی یا ملی وجود ندارد. (یحیوی، ۲۰۰۵م، ص ۹۹).

دسته‌ای دیگر از فقها در این زمینه معتقدند که احکام مالکیت در این قبیل اماکن با مالکیت در سایر اماکن تفاوت دارد و این تغایر اصل مالکیت را خدشه‌دار نمی‌کند. ولی مالکیت در این خصوص به صورت «ملک الجنس» و از آن «عنوان عموم مسلمین» است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۱۶۲). در این قالب مالک مجموع مسلمین است نه یکایک آنان و مانند وقف، مسلمین فقط حق انتفاع از منافع را با شرایط معینی دارند و نه حق خرید و فروش یا وضع مالکیت خصوصی بر این اراضی. (همان، ۱۴۰۴ق، ج ۲۸، ص ۸۸) چنانچه بقیع را بتوان در این قالب تحلیل کرد هیچ مسلمانی بر مسلمان دیگر امتیازی ندارد و امام نیز به عنوان حاکم، تنها متصدی نگاهداری آن خواهد بود و مسلمانان مالک هزینه‌هایی که از منتفعین گرفته می‌شود خواهند شد؛ مثل وقتی که مالک خود زمین هستند و منافع و خراج را مالک می‌شوند. (صدر، ۱۳۹۳ش، ص ۹۵) می‌توان با پذیرش این قالب و نیز اعتقاد به نظریه انتخاب در خصوص حکومت اسلامی، حتی قائل به این امکان شد که مسلمانان بتوانند مقام دارای حق تصرف و مدیریت بر این اماکن را تغییر دهند.

به نظر می‌رسد رویکرد صحیح‌تر و هماهنگ با اقتضائات حقوق بین‌الملل درباره اماکن مقدس، شناسایی این منطقه به عنوان یک منطقه دارای شخصیت حقوقی مستقل باشد. افزون بر این، فقها اعتقاد به صحت شناسایی شخصیت حقوقی برای مشاهد و کعبه به سبب ترتب غایت عقلایی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ص ۴۳) دارند<sup>۱</sup>. همچنین فقها در موارد متعددی به شناسایی شخصیت حقوقی برای مشاهد مشرفه اذعان داشته‌اند و از این حیث این نظریه با مانع مواجه نمی‌شود؛ از جمله آنها عبارت است از: امکان نذر برای خود مشهد،

۱. مرحوم خویی می‌فرماید: «إن الاستقراض من الأمور الاعتبارية التي يمكن تعلقها بالمعدوم إذا وافقه الاعتبار العقلاني فضلا عما لا ذمة له...» (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص ۳۲۳) در واقع ایشان افزون بر شناسایی شخصیت حقوقی، اعتبار عقلایی و توافق عقلا برای در نظر گرفتن شخصیت حقوقی در خصوص موضوعاتی مانند وقف، زکات و... مجاز می‌دانند.

امکان استقراض بر عهده مشاهد (یزدی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۹)، صحت وصیت برای مشاهد<sup>۱</sup> و امکان مالکیت خود مشاهد بنا بر بنای عقلا (یزدی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۹؛ همچنین ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۴۵؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۸۷؛ سیستانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۰۰).

از اقتضائات حقوقی این نظریه در خصوص بقیع (در حقوق بین‌الملل اسلامی)، آن است که کلیه منافع به دست آمده از دارایی‌های این شخصیت حقوقی، مختص همان شخصیت و ملزم به صرف در راستای اهداف آن خواهد بود. استیفای بدهی شخص مدیر یا منتفع از دارایی‌های این شخصیت حقوقی غیر ممکن است و حکومت و مردم مجاز به وثیقه قرار دادن اموال این شخصیت نیستند. همچنین اداره‌کننده موظف به حفظ کاربری این شخصیت حقوقی به هر طریق ممکن و صیانت از آن است. وفق این نظریه از آنجایی که مالک اصلی این اموال، شخصیت حقوقی خود این اموال محسوب می‌شود، ماهیت حقوقی رابطه حکومت با این مشاهد، تنها در قالب «نظارت، اداره و نگاهداری» خواهد بود.<sup>۲</sup>

## ۲. ماهیت حقوقی اماکن مقدس در حقوق بین‌الملل عام

بازخوانی رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به اماکن مقدس و به ویژه نسبت به بیت‌المقدس و واتیکان، افزون بر مطالعه مقرره‌های خاص نسبت به این دو مکان، به نظر می‌رسد که بایسته‌های عام هنجاری را برای همه اماکن مقدس و

۱. نه آنچنان‌که برخی دلیل آورده‌اند که چون این وصیت در حقیقت برای مسلمانان است. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۳، ص ۲۳۹).

۲. البته سخن از شرایط و مشروعیت حکومت ناظر در این خصوص، مجال مستقلمی می‌طلبد. همچنان‌که نهایی‌سازی نظام حقوقی پذیرفته شده طرف‌های ذی‌نفع در جایی که قواعد حقوقی آنها با یکدیگر تعارض یا تراحم داشته باشند نیز مقاله مستقلمی می‌طلبد که بتوان در قالب آن، الگو و سازکار مطلوبی را طراحی کرد. فارغ از آنکه در طراحی این نظام، به تلفیق فتوا بتوان اعتقاد داشت یا به ترجیح فتوا نظر داد یا راهکارهای دیگر.



محل‌های مذهبی (در قالب تولید یک گفتمان) دربردارد. (کتان، ۱۳۶۸، ص ۲۳۳) از جمله مهم‌ترین آنها که می‌تواند هم‌راستا با شخصیت حقوقی مستقل در اندیشه فقها باشد، شناسایی استقلال برای اماکن مقدس، به عنوان یکی از لوازم پذیرش حق بر عبادت در نظام حقوق بین‌الملل بشر باشد. توضیح آنکه: کمیته حقوق بشر در بند ۴، تفسیر عام ۲۲، واژه «Worship» را به صورت موسع تفسیر کرده و بنا و نگاهداری اماکن مذهبی را از لوازم پذیرش حق بر عبادت دانسته است.

رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به این اماکن، امری در راستای خودمختاری در امور مذهبی و، حتی فراتر از آن، شناسایی و اعلام استقلال در این اماکن دینی (مستقل بین‌المللی) است. منطقه مستقل بین‌المللی در حقوق بین‌الملل و شناسایی آن از سوی سایر کشورها می‌تواند بر مبنای علل مختلفی باشد. این مبنای و علل می‌تواند در حوزه استقلال آن منطقه و شناسایی آن به عنوان یک تابع اصلی یا فرعی و اختیارات و صلاحیت‌ها و آزادی آن منطقه در حقوق بین‌الملل، تأثیرگذار باشد. فارغ از دو سرزمین واتیکان و بیت‌المقدس برخی دیگر از نمونه‌های این مناطق به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی شکل گرفته و برخی دیگر در اثر قوانین داخلی کشور ایجاد شده است. (نظیر اقلیم کردستان عراق در سال ۱۹۹۲ میلادی) همچنین برخی از این مناطق در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند؛ مانند جزایر آلد در فنلاند که به موجب کنوانسیون آلد در سال ۱۹۲۲ میلادی، به رسمیت شناخته شدند، اما منطقه زاپاتیستا در مکزیک، استقلال آن به رسمیت شناخته نشده است.

---

1 . See: Human Rights Committee, General Comment 22, Article 18 (Forty-eighth session, 1993). Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 35 (1994).

وضعیت حقوقی بیت المقدس به دلیل ماهیت ویژه‌ای که دارد (مانند قبة الصخره و مسجدالاقصى برای مسلمانان، کوه معبد و دیوار ندبه برای یهودیان و کلیسای قیامت برای مسیحیان) همواره محل مناقشه و جدل بوده است؛ برای نمونه می‌توان به شناسایی یک نظام بین‌المللی بر بیت المقدس به دنبال تشکیل اسرائیل و شناسایی این رژیم به دست آمریکا (Scott R & Schwartz, 2017, 167) اشاره کرد. در سطح بین‌المللی نیز در قیومتی که برای بریتانیا نسبت به بیت المقدس اعطا شده، بریتانیا ملزم به فراهم کردن امکان دسترسی و عبادت با لحاظ نظم و امنیت عمومی برای همگان است. براساس ماده ۱۴ این سند، بریتانیا باید کمیسیونی را شکل می‌داد تا حقوق و ادعاهای راجع به اماکن مقدس در فلسطین بررسی شود. (Mandate for British Palestine, Art 14)

همچنین بعد از آن براساس بخش دوم قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ میلادی (قطعنامه تقسیم)، اداره بیت المقدس به مدت ۱۰ سال بر عهده شورای قیمومت خواهد بود و بعد از آن اداره این منطقه با همه-پرسی مردم خواهد بود.

این قطعنامه مقررهای متعدد دیگری نیز در خصوص حقوق این مکان مقدس در بخش اول و سوم وضع کرده است؛ از جمله آنکه آزادی زیارت محدود به رعایت امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق است. همچنین در کنار لزوم حفاظت و تعمیر این اماکن و حفاظت منافع مذهبی پیروان ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت و یهودیت)، ممنوعیت هتک حرمت، استفاده نظامی از بیت-المقدس و نیز ناروایی دریافت مالیات مشخص شده است. مطابق این سند حکمرانی بر بیت المقدس بر عهده یک رژیم بین‌المللی و از سوی سازمان ملل و با نظارت نماینده منتخب سازمان خواهد بود. قوه مقننه نیز در انحصار شورای قانونگذاری منتخب ساکنان شهر است. نظام قضایی این منطقه نیز مستقل خواهد بود.

قطعه‌نامه ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل نیز بر بین‌المللی بودن بیت‌المقدس دوباره تأکید کرده است (A/Res/194,para9) و بر همین اساس شورای امنیت در پاسخ به قانون ۱۹۸۰ پارلمان اسرائیل، این قانون را با موازین حقوق بین‌الملل مغایر دانسته و می‌گوید کسب مالکیت چنین سرزمینی با زور پذیرفتنی نیست. همچنین از اعضای ملل متحد خواسته است که اقدامات اسرائیل را که موجب تغییر ویژگی و وضعیت بیت‌المقدس می‌شود، نباید به رسمیت بشناسند.<sup>۱</sup> (S/Res/478,Paras2-5)

در رویه قضایی بین‌المللی نیز نسبت به ماهیت حقوقی بیت‌المقدس و اقتضائات حقوقی ناشی از آن، حمایت‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله در پی سازه دیوار حائل، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد تا نظر خود را درباره آثار حقوقی این سازه اعلام کند. دیوان نیز در رأی مشورتی سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که اسرائیل بایستی حدود اماکن مقدسی را که در سال ۱۹۶۷ تحت کنترل خود درآورده است، تضمین کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۵). همچنین براساس این رأی، ساخت این دیوار در داخل و اطراف بیت‌المقدس شرقی برخلاف حقوق بین‌الملل بوده و باید عملیات احداث متوقف شود، بقایای دیوار تخریب، و تمامی خسارات ناشی از ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی – از جمله در درون و اطراف بیت‌المقدس شرقی – جبران شود. همچنین تمامی کشورها موظف به عدم شناسایی این وضعیت غیر قانونی بوده و باید از مساعدت نسبت به حفظ وضعیت ایجادشده در اثر ساخت دیوار امتناع ورزند.<sup>۲</sup> در دسامبر سال ۲۰۱۶ نیز مجمع عمومی مجدداً قطعه‌نامه‌ای را صادر می‌کند

۱. ر.ک: ترکی و علیپور، ۱۳۹۹، ص ۹۵.

۲. ر.ک: اعلامیه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل.

3. See: Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I. C. J. Reports 2004.

که براساس آن، راه حل قدس بایستی بنا بر توافق طرفین و با در نظر گرفتن آزادی عبادت و دسترسی به اماکن مقدس برای پیروان تمامی ادیان باشد. (A/Res/71/25)<sup>۱</sup>

افزون بر رویه قضایی و نیز قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت، سازمان یونسکو بیت المقدس را در زمره میراث جهانی و چند نمونه از بناهای این منطقه را در فهرست میراث مشترک جهانی پرخطر قرار داده است. Update of the List of World Heritage in Danger (Retained Properties), (2017)<sup>۲</sup> یونسکو در قطعنامه‌های متعددی نیز اقدامات اسرائیل را - از جمله شهرک‌سازی‌ها و حفاری‌های گوناگون در زیر مسجد الاقصی - محکوم کرده است. (برای نمونه قطعنامه ۴۲۷/۳)

واتیکان نیز دولت شهری مستقل در مرکز شهر رم ایتالیاست که در سال ۱۹۲۹ براساس عهدنامه لاترن تأسیس شد. ماهیت جغرافیایی این دولت شهر، مجموعه‌ای از کاخ‌ها و بناهای باستانی است که در اعمار کلیسای متسبب به پترس قدیس توسعه یافته و با دیوارهایی بلند و قدیمی از شهر رم مستقل شده است. میدان کلیسای سن پیترو با ۲۴۰ متر عرض و ۳۴۰ متر طول، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مکان‌های گردشگری رم، به شکل سوراخ کلید بزرگ (نماد کلید بهشت) است و مجسمه‌های حواریون مسیح نیز به شکل نیم‌دایره‌ای در اطراف ورودی کلیسا نصب شده است. (عنایت، ۱۳۶۴ش، ص ۵۵)

واتیکان از حیث روابط سیاسی مستقل بوده، و در کنفرانس ۱۹۴۵ لاهه به عنوان جزئی از اموال فرهنگی جهان معرفی شده است که در حقوق

1 . A/RES/2253. (1967, 6 4). (2017,06,03) Retrieved from UNISPA: <https://unispal.un.org/DPA/DPR/unispal.nsf/0/A39A906C89D3E98685256C29006D4014>

2 .Update of the List of World Heritage in Danger (Retained Properties). (2017, 12 01). Retrieved from UNESCO: <http://whc.unesco.org/en/decisions/6926>

بشردوستانه نیز قواعد خاصی بر آن حاکم است. کمیته میراث جهانی یونسکو نیز در سال ۱۹۸۴ واتیکان را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهان در فهرست میراث فرهنگی خود قرار داد. (عبد خدایی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۶)

واتیکان در طول سال‌های مختلف عضو معاهدات بین‌المللی متفاوت بوده است. همچنین در سازمان ملل دارای عضو ناظر است و با ۱۷۰ دولت دارای روابط دیپلماتیک است؛ به گونه‌ای که بازیگران بین‌المللی دیگری نیز تمایل به برقراری روابط بین‌المللی با واتیکان داشته و دارند. (والاس، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۵).

وظایف بین‌المللی واتیکان زیر نظر پاپ و با دستور وی از سوی دبیر دولت و دبیر شورای اداره عمومی کلیسا انجام داده می‌شود. بر اساس این شناسایی بین‌المللی، کلیسای کاتولیک مشارکتش در روابط و مناسبات بین‌المللی را همسان دولت‌ها به انجام می‌رساند و مدعی قابلیت استناد بین‌المللی است (فن گلان، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۷۴۱).

در نظام مدیریت گردشگری دینی این دولت نیز افزون بر سه سطح مدیریت کلان ملی (دولت)، وزارت میراث فرهنگی و محیط زیست ایتالیا در سطح منطقه‌ای و دستگاه‌ها و نهادهای محلی و شهرداری رم در سطح محلی فعالیت می‌کنند. مقام‌های دولتی و مدیریت شهری رم با مقام‌های مذهبی واتیکان - برای رفع نیازهای گردشگران، انتقال سرمایه و... ارتباط دارند (توانگر، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۱۱۶).

### ۳. هنجارهای حقوقی مترتب بر ماهیت حقوقی بقیع در حقوق بین‌الملل

#### اسلامی و منطقه‌ای

برابر با ماهیت بین‌المللی بقیع می‌توان هنجارهای متعددی را برای نظام حقوقی این منطقه در حقوق بین‌الملل اسلامی و منطقه‌ای بیان کرد که می‌تواند بسیاری از چالش‌های کنونی نسبت به نظام حکمرانی و مدیریتی این منطقه را رفع کند.

### الف) تعظیم شعائر به مثابه یک اصل حقوقی فرازین

شاید بتوان اصلی حقوقی را بر زیارت بقیع اثبات کرد<sup>۱</sup> که تمامی فعالیت‌های گردشگری (اعم از دولت زائرپرست یا زائرپذیر) در پرتو آن معنا و تدارک شود و می‌تواند متعلق و جوب کفایی برای همه مردم یا متعلق وظایف دولت اسلامی یا هر دو را در این خصوص اثبات کرد.

با استقراء کاربرد شعائر در متون فقهی، این نتیجه به دست می‌آید که فقها از سه ترکیب استفاده کرده‌اند: «شعائر الاسلام»، «شعائر الله» و «شعائر الایمان»<sup>۲</sup>؛ ولی آنچه در مهم‌ترین مدرک این اصل استعمال شده، تعبیر «شعائر الله» است؛ همچنان‌که آیه شریفه ۳۲ حج می‌فرماید: ﴿ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾.

دلالت این آیه شریفه بر وجوب تعظیم شعائر الهی و وجوب اطلاقی تعظیم در همه امور مرتبط با بقیع (اعم از صیانت از این اثر، بهره‌برداری از آن در اشکال گوناگون و...)، بدین صورت است که تعظیم شعائر از آثار تقوای قلوب دانسته شده و تردیدی نیست که تقوا در آیات و روایات به صورت وجوبی آمده است. از این رو «با صغرا قرار دادن «تعظیم شعائر، تقوای الهی است» و با کبرا قرار دادن ادله وجوب تقوا، می‌توان در غایت این استدلال، وجوب تعظیم شعائر را به دست آورد».<sup>۳</sup> (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۶۱)

۱. همچنان‌که چند تن از فقها تعظیم شعائر را به عنوان یک قاعده مطرح کرده‌اند. (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۵۷ به بعد؛ نراقی، ش ۱۳۷۵، ص ۸ به بعد)

۲. ر.ک: ابی‌فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶.

۳. گرچه برخی اقوال بر استحباب و رجحان تعظیم شعائر، دلالت دارد (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۱؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۳)، ولی این عقیده اخلاقی در بحث حقوقی این مقاله ایجاد نخواهد کرد، خصوصاً که نمی‌توان مقدمه‌سازی حکمرانان برای تحقق این استحباب را صرفاً در حد رجحان و استحباب دانست (تفکیک مقدمه از ذی‌المقدمه). افزون بر این به نظر می‌رسد با توجه به اضافه تعظیم شعائر به تقوی و معنای تقوا به دوری از امری که خوف ضرر در آن هست، بنابراین مخالفت با تعظیم شعائر خوف ضرر دارد و از این رو واجب خواهد بود؛ چرا که ترسی در مخالفت با امور مستحب وجود نداشته تا بدان امری صورت گیرد (ر.ک: مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۶۱).

گرچه احتمالات مختلفی درباره معنای شعائر داده شده است، ولی به نظر می‌رسد که «شعائر» در آیه شریفه به صورت عام و بدون اختصاص به قیدی به کار رفته است و نمی‌توان از این عموم بدون اعتماد بر حجتی رفع ید کرد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۷۴؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۱۹؛ الاندلسی، ۱۹۹۳م، ج ۳، ص ۴۳۴ و ج ۶، ص ۳۴۰)؛ به عبارت دیگر شعائر هر آن چیزی است که نماد اطاعت از خداوند متعال باشد (رازی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۲۸؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۹۸) یا به نوعی انسان را به یاد خدا بیندازد و از نشانه‌های دین خدا به شمار رود. (سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۵۹؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۷۸؛ هویدی بغدادی، بی‌تا، ص ۲۲۶)

از جمله ادله گسترده‌گی مفهوم شعایر، افزون بر تبعیضی بودن من و جمع مضاف بودن شعائر، آن است که در آیه من یعظم، مسئله مقید به چیزی از قبیل صفا و مروه نشده است. افزون بر این در روایات اهل بیت آمده است: «نحن الشعائر و الاصحاب» (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۱۷). بنابراین برخی فقها تعجب کرده‌اند که چگونه می‌شود، قربانی حج را شعائر دانست، اما اهل بیت را خیر؟! (عاملی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۰۰) یکی از مفسران اهل سنت می‌گوید: بزرگترین شعائر خداوند - که تعظیم آنها واجب است - اولیای خداوندند که راهنمایان آدمی به سوی خداوند هستند. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۳۵) بنا بر سخن شهید صدر، «مشاهد مشرفه به این لحاظ که مدفن ائمه علیهم‌السلام است، به ائمه منسوب است و ائمه نیز منسوب به خداوند سبحان هستند. از این رو مشاهد ایشان شعائر الله است». (شهید صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۱۴؛ همچنین ر.ک به: محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹). بنابراین اینکه بقیع جزو شعائر الله محسوب می‌شود، تکوینی است و نه جعلی و اعتباری (حقیقت لغوی یا عرفی).

گرچه تعظیم امری دارای مراتب است، ولی از آنجا که فقها (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۹۹ و کاشف الغطا، بی‌تا، ص ۵۲۵) جواز احترام قبر مؤمن را مطابق عرف و عادت مجاز دانسته‌اند (حتی اگر از پیشینیان

در این باره چیزی را که جواز آن را برساند نقل نشده باشد)، می‌توان عرف و عادت را افزون بر معیارهای منقول،<sup>۱</sup> ملاک تعظیم نسبت به بقیع قرار داد. بنابراین لزوم تعظیم شعائر به عنوان یک اصل، هنجارهای گوناگونی را نسبت به نظام حقوقی - مدیریتی بقیع در پی داشته است؛ از جمله آنها عبارت است از:

- بنای آستان بر بقاع، تجدید و تعمیر آنها (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۳۹؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹) و استثنایپذیری این مشاهد از کراهت و تعمیر آرامگاه به دلیل تعظیم شعائر. (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۲)

- مخالفت امام در ارتباط با جلوگیری از تعظیم شعائر در بقیع. (فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ص ۳۰۵؛ شهید اول، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۰)

بنا بر اصل تعظیم شعائر و با توجه به اشتراکی بودن سرزمین بقیع، نمی‌توان صلاحیت دولت عربستان را در صدور رواید برای زیارت بقیع مطلق دانست. از این رو نه تنها دولت عربستان نمی‌تواند مانع از زیارت بقیع شود، بلکه حتی برخی از فقها، ترک زیارت مدفن شریف رسول الله ﷺ و سایر مشاهد مشرفه را (چه مباشرتاً باشد و چه به دلیل موانع برقرار شده از سوی دولت زائر فرست یا زائر پذیر باشد) حرام دانسته‌اند؛ مشروط بر آنکه به نحوی باشد که زائری برای آن مدفن نباشد یا آن قدر کم باشد که استهانت به آن حضرت رخ دهد (گلیپایگانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۵۲) حتی مستند به برخی از روایات، در این موارد امکان الزام به زیارت مردم از سوی حاکم وجود دارد و اگر دلیل ترک زیارت عدم امکان و مقدمات مالی زیارت باشد، حاکم بایستی از بیت‌المال آن را تامین کند.<sup>۲</sup>

۱. مانند استحباب وضو برای ورود به مشاهد مشرفه به قصد تعظیم شعائر (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۱، ص ۹۶)، و

حرمت تنجیس و وجوب تطهیر مشاهد مشرفه. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۹۲)

۲. لو ان الناس ترکوا الحج لکان علی الوالی ان یجبرهم علی ذلک و علی المقام عنده و لو ترکوا زیارة النبی لکان علی الوالی ان یجبرهم علی ذلک و علی المقام عنده فان لم یکن لهم اموال انفق علیهم من بیت مال المسلمین (ر.ک: بروجردی، ۱۳۴۰ش، ج ۱۲، ص ۳۰۵) فقها مضمون این روایت را به سایر مشاهد مشرفه نیز تعمیم داده‌اند.



## ب) حکمرانی بر بقیع

بسیاری از فقها در خصوص میراث فرهنگی به ملاک مصلحت عمومی استناد کرده‌اند و پس از آن مباحثی را در خصوص مدیریت و حکمرانی بر اموال فرهنگی مطرح کرده‌اند. بر اساس آیه شریفه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵)، دفع مال به شخص سفیه و غیربالغ جایز نیست. در توضیح این مطلب که چرا «اموال» به ضمیر «کم» اضافه شده است، مفسرین نوشته‌اند: چون که این اموال از جنس اموال خود قییم و امین است؛ بنابراین خداوند این اموال را مشترک بین مردم قرار داده و از دستی به دستی و از ملکیتی به ملکیتی دیگر منتقل می‌شود؛ از اموالی است که هویت و اعراض را نگاه می‌دارند و اقتدار و قوام امور و تمدن آدمی را حفظ و صیانت می‌کند. (القرطبی، ۲۰۰۶ق، ج ۶، ص ۵۰-۵۴)

این آیه از آنجایی که از قرار دادن اموال در دست سفها نهی می‌کند، به طریق اولی بر حرمت تفریط نسبت به اموالی دلالت خواهد داشت که متعلق مصالحی فراتر از مصالح خصوصی است. بنابراین نباید اموال فرهنگی، که نمود تمدن اسلامی است، در اختیار حاکمانی قرار گیرد که نسبت به آن بی‌اعتنا باشند.

فقهای امامیه نوع و کیفیت حکمرانی بر مشاهد مشرفه، و از جمله بقیع، را در غالب وقف شرعی بحث کرده‌اند<sup>۱</sup> و امور مربوط به آن را بر عهده حاکم شرعی قرار داده‌اند.<sup>۲</sup> شرایط متعددی نیز برای حکمرانی در خصوص این مناطق بیان شده است که این شرایط ظهور در لزوم دارد؛ شهید اول این شرایط را چنین بیان می‌کند:

و ینبغی لهؤلاء ان یکونوا من اهل الخیر و الصلاح و الدین و المروءة و الاحتمال و الصبر و

کظم الغیظ، خالین من الغلظة علی الزائرین. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴)

۱. برای نمونه: شهید اول می‌فرماید: «و لو وقف علی المساجد و المشاهد صح لانه فی الحقیقه وقف علی المسلمین و ان تخصص بعض مصالحهم» (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۶۹).  
۲. «و امر مصالحه العامة الی الحاکم الشرعی» (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۲).

ناظران و خدام بایستی اهل نیکی، کارهای شایسته، تدین، مروت، وزانت عرفی، صبر و خودداری، فروخوردن خشم و اخلاق بد نسبت به زائران باشند.

تشدید این شرایط نسبت به رأس الخدمه (حاکم) می‌تواند زمینه‌ساز لزوم شرط «عدالت شرعی» نسبت به وی باشد. افزون بر آنکه تعهد بر انجام خواسته‌های شارع مقدس، مستلزم شرط عدالت است. (صرامی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۲).

در طول تاریخ با وجود نصب متولی منطقه بقیع در دولت عثمانی، حکومت محلی مدینه تسلطی نسبت به امور آن نداشت. متولیان بقعه امامان بقیع از خاندان‌های علوی مدینه بودند که از طرف دولت عثمانی به تولیت بقیع گماشته می‌شدند. شیخ الحرم، که از طرف دولت در مدینه حکومت می‌کرد، بر آنان تسلطی نداشت و می‌گفت: «تولیت او (سید عبدالکریم برزنجی) هم مثل مأموریت من، به موجب فرمان سلطانی است و به او اقتداری ندارم». (امین الدوله، ۱۳۵۴ش، ص ۲۵۳)

شاید بتوان گفت که بنا بر موازین حقوق بین‌الملل، بقیع را بایستی بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی تحلیل کرد. بر اساس این اصل مناطق مختلف یک کشور (و از جمله منطقه بقیع در این بحث)، محکوم به صلاحیت حاکمیتی کشوری است که این مناطق در آن قرار دارند. (والاس، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۸) بنابراین اداره و مقررات‌گذاری نسبت به بقیع و بهره‌برداری از آن در صلاحیت دولت عربستان قرار دارد. اما به نظر می‌رسد پذیرش منشور ملل متحد و اسنادی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (در سال ۱۹۴۸) و میثاقین بین‌المللی حقوق بشر (در سال ۱۹۶۶) چنان اثر آمرانه‌ای در سطح مناسبات جامعه بین‌المللی گذاشته است که نقض قواعد حقوقی حاکم بر این منطقه و حقوق زائران منجر به پاسخ‌گویی عربستان به جامعه بین‌المللی خواهد شد. در حقیقت حاکمیت سرزمینی این دولت هر قدر هم که باشد، باید هم‌راستا با تعهدات حقوق بشر باشد و نمی‌تواند محدودیتی برای مسلمانان در دسترسی به

بقیع و استیفای حق ایجاد کند. (کاسسه، ۱۳۸۵ش، ص ۱۹۹)

البته احتمال فوق رویکردی حداقلی (بدون لحاظ ماهیت حقوقی بقیع) است و دقیق‌تر همان است که به بقیع به عنوان یک منطقه ویژه نگریسته شود؛ همچنان‌که این مکان نظام حقوقی مستقل و خاصی را اقتضا داشته است؛ برای نمونه هر کسی که اعمال مستوجب حد را در چنین مکان‌هایی انجام دهد، حاکم شرع می‌تواند او را محاکمه کند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۹۴) برخی از نویسندگان چنان اقتداری را برای این مناطق در نظر گرفته‌اند که باعث شده حکومت‌های حجاز، مثل پادشاهی سعودی، خود را خادم این حرم بدانند و قدرت و موقعیتی در برابر قداست و اقتدار این مکان اظهار نکنند. (لیندا، ۲۰۱۵م، ص ۲۲۹)

حکمرانی بر بقیع اقتضانات خاص خود را دارد که بسیاری از آنها در سنت آمده است؛ از جمله:

- ممنوعیت اختصاص زیارت بقیع به گروه خاصی (اعم از جنسیت یا اهل بلاد خاص) به دلیل تنافی با رویه و سنت پیامبر (سبکی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۴): در سنت اسلامی نمونه‌های مختلفی از زیارت بانوان در بقیع نقل شده است؛ از جمله همسر پیامبر (همان، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۴ و ۶۵-۱۱۵) و بنت گرامی رسول‌الله.<sup>۱</sup> این در حالی است که در تاریخ، نمونه‌های متعددی از تبعیض در زیارت نقل شده است. (فراهانی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۳۰)

- تسهیل در زیارت گردشگران مذهبی: بر خلاف سختگیری‌های گوناگون (هندی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۶۲) (مانند دریافت عوارض سنگین از شیعیان برای ورود به بقیع). (جعفریان، ۱۳۷۶ش، ص ۱۸۲)

تکلیف حکمرانان به بردباری مذهبی، تسهیل رفت و آمد زائران و رونق‌بخشی به آن را می‌توان ناشی از وجوب کفایی تعظیم شعائر در این خصوص دانست (بنا بر یک رویکرد حداقلی که وجوب را عینی نمی‌داند) و

۱. مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۶، باب شد الرحال.

نمی‌توان با در نظر داشتن استحباب مؤکد زیارت قبور معصومان علیهم‌السلام تنها، رجحانی را برای اقدام دولت اسلامی- در راستای فراهم کردن زمینه ادای یک مستحب - باور داشت.

برخی از فقها قائل به جواز ضرب پایمال‌کننده حقوق زائران، پس از توبیخ (در وهله نخست) و تکرار آن عمل، هستند. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۲)

### ج) لزوم اعمار و صیانت

میراث فرهنگی غیر منقول، جزئی اساسی از فرهنگ تمدنی است که تجاوز و تعدی به آنها جرمی در حق بشر و نوعی جرم نسبت به نسل‌های آینده است. بسیاری از این میراث‌ها اهمیت بین‌المللی یافته است و ماهیت میراث انسانی بما هو انسان دارد. (محمد، ۲۰۱۵م، ص ۵۰) عرف بین‌المللی نیز به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل (ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی)، بر این امر صحه می‌نهد که جامعه بین‌الملل حق صیانت از میراث فرهنگی را دارد و تجاوز نسبت به این آثار، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. (فاطمه، ۱۴۴۰ق، ص ۴۷) براساس بند A ماده ۶ اعلامیه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل، نه تنها وجود عبادتگاه‌های مذهبی ضروری است، بلکه ساخت و ساز و نگهداری اماکن در راستای اهداف و عبادات مذهبی نیز حقی مسلم شناخته شده است.<sup>۲</sup>

از لحاظ فقهی اعمار و صیانت از بقیع ضرورت دارد تا دین اسلام، دچار مشکلات امت‌های پیشین نشود؛ مانند تشکیک در اصل دعوت؛ چراکه نه برای مسیح و اصحابش مزاری است که زیارت شود و نه کتابی که مصون از تحریف

۱. ر.ک: بروجردی، ۱۳۴۰ش، ج ۱۵، کتاب المزار..

2.. See: Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief. UN Doc. A/RES/36/55, 25 November 1981.

مانده باشد. (سبحانی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳؛ همچنین ر.ک: اراکی، ۲۰۰۱م، ص ۴۴)  
 دلیل دیگر تعظیم شعائر و روایات است؛ پیامبر اکرم ﷺ خطاب به  
 امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

خداوند مرقد تو و فرزندت را پاره‌ای از بهشت قرار داده است... و خداوند دل-  
 های شریف‌ترین خلق خود و بندگانش را مشتاق تو قرار داده است... پس  
 مرقدت را بنا می‌کنند و زیارت می‌کنند. ای علی، آنکه قبور تو را می‌سازد و  
 نگاه می‌دارد، گویا سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری کرده  
 است...<sup>۱</sup>

گرچه برخی راویان حدیث روایت مجهول و ضعیف نقل کرده‌اند و حتی  
 متهم به کذب و وضع هستند، ولی چونکه این روایت از کتب حدیثی قبل از  
 کتب اربعه نقل شده (که افزون بر جلالت قدر نویسندگان آن، متصف به حسن  
 بوده‌اند). (ر.ک: خوئی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۳ و ۲۶۱؛ ج ۱۶، ص ۳۳۶؛ ج ۶،  
 ص ۷۹؛ ج ۱۲، ص ۱۸۸؛ ج ۱۰، ص ۳۰۳؛ ج ۱۲، ص ۲۷۴ و ج ۲۱، ص ۲۰۳) چه بسا  
 بتوان حکم به صحت روایت کرد. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۴۰) در  
 غیر این صورت با رویکردی کمینه‌گرا می‌توان به وجه «مؤید» شدن این روایت  
 بسنده کرد. بنابراین تعظیم شعائر نیز به تنهایی بر لزوم آبادانی و صیانت از  
 سرزمین بقیع دلالت می‌کند؛ چه در قالب وجوب عینی بر دولت عربستان باشد یا  
 در قالب وجوب کفایی و دولت عربستان نباید مانع از این اقدام کفایی شود.

### نتیجه‌گیری

نقطه کانونی تعیین نظام حقوقی حاکم، تعیین ماهیت سرزمینی و کالبد  
 زمینی، بستری است که نظام حقوقی در آن حاکمیت خواهد داشت. بر همین

۱. «ان الله جعل قبرك و قبر ولدك بقاعاً من بقاع الجنة... وان الله جعل قلوب نجباء من خلقه و صفوته من عباده تحنّ  
 اليكم... فيعمرون قبوركم و يكثرون زيارتها... يا علي من عمر قبوركم و تعاهدها فكانها اغان سليمان بن داود على  
 بناء بيت المقدس...» (ر.ک: بروجردی، ۱۳۴۰ش، ج ۱۵، ص ۱۲۳).

مبنا پیش از طراحی نظام حقوقی حاکم بر بقیع در حوزه‌های گوناگون گردشگری مذهبی، حقوق مسئولیت، حقوق اساسی، حقوق کیفری، حقوق بین‌الملل، و... باید ماهیت حقوقی این منطقه را بررسی کرد.

میان دیدگاه‌های فقهای امامیه و عامه گرچه تفاوت - در خصوص ماهیت فقهی بقیع به عنوان یک مقبره تاریخی یا مشهد - وجود دارد، اما نکته‌ای که می‌تواند هنگام طراحی نظام حقوقی ذی‌نفعان گوناگون نسبت به بقیع، چاره‌ساز باشد و مخالفتی با مبانی فقهی نسبت به ماهیت بقیع نداشته باشد، آن است که «شخصیت حقوقی» و به عبارت حقوق بین‌الملل، «منطقه بین‌المللی» برای این سرزمین در نظر گرفته شود. این رویکرد می‌تواند با حمایت‌های حقوق بین‌الملل نسبت به قدس شریف و واتیکان نیز هم‌راستا باشد.

برآیند حداقلی این فهم نسبت به بقیع، این است که در دسترسی به زیارت و انجام مناسک، فرقی بین شهروندان دولت عربستان و دیگر مسلمانان و جنسیت‌های گوناگون نیست. همچنین می‌توان قواعد و هندجارهای گوناگونی را استخراج کرد که از جمله آنها عبارت است از: تکلیف حکومت به تسهیل آمد و شد زائران، صیانت از بقیع و اعمار آن، ممنوعیت تبعیض در دسترسی به زیارت و... در رأس تمامی این گزاره‌ها نیز تعظیم شعائر قرار دارد که با احتساب بقیع به عنوان یکی از مصادیق شعائر الله، همه فعالیت‌ها در خصوص این منطقه باید ذیل این اصل حاکم صورت گیرد. بنا بر همین اصل اداره‌کنندگان بقیع - چه به صورت انتصابی از سوی خداوند یا انتخابی دولت‌های نماینده مسلمانان باشد، - باید شرایطی از جمله عدالت شرعی را دارا باشند.

التراث الثقافی فی الفقه الاسلامی، قطر، مؤتمر الدوحة للعلماء حول الاسلام و التراث الثقافی.

۸. اسدی حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۹ق). الرسائل العشر، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ط ۱.
۹. اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). حاشیة کتاب المکاسب، قم، انوار الهدی، ط ۱.
۱۰. امین الدوله، میرزا علی خان (۱۳۵۴ش). سفرنامه امین الدوله، به کوشش اسلام کاظمیه، تهران، توس، ج ۲.
۱۱. الاندلسی، ابی حیان (۱۹۹۳م). تفسیر البحر المحيط، تحقیق عادل احمد عبدالموجود علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ط ۱.
۱۲. بروجردی، سیدحسین (۱۳۴۰ش). جامع الاحادیث الشیعة فی احکام الشریعة، تهران، مطبعة المساحة.
۱۳. ترکی، پرویز و علیپور، محمدرضا (۱۳۹۹ش). «وضعیت حقوقی مکان های مقدس با تاکید بر بیت المقدس از منظر حقوق بین الملل»، سومین کنفرانس ملی

## منابع

### کتب

قرآن کریم

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن حجر (۱۳۷۹ش). فتح الباری، بیروت، دارالمعرفة، ط ۲.
۲. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه مرعشی، ط ۲.
۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستیعاب، بیروت، دارالجيل، ط ۲.
۴. ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). البحر المديد فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، بی نا، ط ۱.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۸ق). الطبقات الكبرى، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، الکتب العلمیة، ط ۲.
۶. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۰ق). اخبار المدينة النبویة، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ط ۱.
۷. اراکی، محسن (۲۰۰۱م). بحث

- حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان، قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/1113485>.
۱۴. تبریزی، میرزاجواد (۱۴۱۶ق). صراط النجاة، قم، نشر برگزیده، ط ۲.
۱۵. توانگر، محمد (۱۳۹۰ش). طرح پژوهشی بررسی تجارب بین المللی و تحلیل اثرات کمی-کیفی زیارت و اثرات آن در شهرهای زیارتی جهان، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
۱۶. جزیری، عبدالرحمان (۱۴۱۹ق). غروی، محمد و مازح، یاسر؛ الفقه علی المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، بیروت، دارالثقلین، ط ۲.
۱۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ط ۱.
۱۸. جعفریان، رسول؛ صادق برزگر (۱۳۷۶ش). سفرنامه عتبات و حج، میراث اسلامی ایران، قم، کتابخانه مرعشی.
۱۹. حلبی، علی بن حسن (۱۴۱۴ق). اشاره السبق الی معرفة الحق، قم، انتشارات اسلامی، ط ۲.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ش). تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت، ط ۱.
۲۱. حماد، محمدانور (۲۰۰۲م). الحماية الجزائیة للاموال العامة، الجزائر، دارالفکر الجامعی، بی چا.
۲۲. الخفیف، علی (۱۹۹۶م). الملكية فی الشریعة الاسلامیة مع المقارنة بالشرائع الوضعیة، معناها، انواعها و عناصرها، خواصها، قیودها، القاهرة، دارالفکر العربی، ط ۱.
۲۳. خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸ش). البیع، تهران، نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ط ۵.
۲۴. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ط ۲.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق). کتاب الطهارة، مقرر: میرزاعلی غروی، بی جا، دارالهادی، ط ۳.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹ق). معجم رجال الحدیث، قم، دفتر مرحوم خوئی، ط ۱.
۲۷. سبحانی، جعفر (۱۳۹۳ش). فقه المزار فی احادیث الائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، مشعر، ج ۱.
۲۸. سبزواری. محمدباقر بن محمد (۱۴۲۳ق). کفایة الاحکام، قم، انتشارات



- اسلامی، ط ۲.
۲۹. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). **مذهب الأحكام فی بیان الحلال والحرام**، قم، مؤسسة المنار، ط ۴.
۳۰. سبکی، علی بن عبدالکافی (۱۴۱۹ق). **شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام**، تهران، مشعر، ط ۴.
۳۱. سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا). **بحر العلوم**، بی جا، بی نا.
۳۲. سیستانی، سیدعلی (۱۴۳۰ق). **منهاج الصالحین**، بغداد، دارالبذرة، ط ۲.
۳۳. شریفی اشکوری، الیاس (۱۳۸۹ش). **منتخب فقرات فقهية**، قم، بیت معظم له، ج ۱.
۳۴. شهید اول، محمد بن مکی (بی تا). **القواعد و الفوائد**، تحقیق سیدمحسن حکیم، قم، مکتبه المفید، ط ۱.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق). **الدروس الشرعية فی فقه الامامية**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ط ۲.
۳۶. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ط ۷.
۳۷. صبری پاشا، ایوب (۱۳۷۷ش). **تاریخ وها بیان**، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران، طوفان، ج اول.
۳۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳ش). **اقتصاد ما**، ترجمه سیدابوالقاسم حسینی، قم، پژوهشگاه شهید صدر، ج ۲.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸ق). **بحوث فی شرح العروة الوثقی**، تحقیق محمد هاشمی، قم، مجمع الشهد آیت الله الصدر العلمی، ط ۲.
۴۰. \_\_\_\_\_ (۱۹۸۷م). **اقتصادانا**، درسه موضوعیة تتناول بالنقد و البحث المذاهب الاقتصادية الماركسيه و الرأسمالية والاسلام فی أسسها الفكرية و تفاصيلها، بیروت، دارالتعارف، ط ۲۰.
۴۱. صرامی، سیف الله (۱۳۸۸ش). **مشاهد مشرفه و احكام آن**، کنگره شهیدین، فقه و اصول، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱.
۴۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴ش). **حقوق بین الملل عمومی**، تهران، گنج دانش، ج ۲۵.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **الخلافا**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ط ۵.
۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق). **الأمالی**، قم، دارالثقافة، ط ۱.
۴۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الافهام الی تنقیح**

- شرايع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامي، ط ۴.
۴۶. عاملي، سيدجواد بن محمد (۱۴۱۹ق). **مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة**، قم، انتشارات اسلامي، ط ۱.
۴۷. علم الهدى (۱۴۲۲ق). **الانتصار**، بيروت، دارالسيهر، ط ۲.
۴۸. عبد خدایي، مجتبی (۱۳۸۵ش). **واتيكان، کلیسای جهانی کاتولیک**، تهران، انتشارات الهدی، ج ۱.
۴۹. عنایت، حمید (۱۳۶۴ش). **اندیشه سیاسی در غرب**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.
۵۰. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۹ق). **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ج ۲.
۵۱. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق). **نضد القواعد الفقهية على مذهب الامامية**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ط ۳.
۵۲. فاطیمه، حمادو (۱۴۴۰ق). **الحماية القانونية للآثار على ضوء التشريعات الوطنية و الاتفاقات الدولية**، اشراف الاستاذ: هدیلى احمد، جامعة جبالى ليايس سيدى بلعباس.
۵۳. فراهانی، محمدحسین (۱۳۶۲ش). **سفرنامه مکه**، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، فردوسی، ج ۱.
۵۴. فن گلان، گرهارد (۱۳۸۶ش). **حقوق بین الملل عمومی**، ترجمه سیدداوود آقایی، تهران، میزان، ج ۳.
۵۵. فهیمة، اعراب (۲۰۱۱م). **التراث و السياحة: من خلال مدينة قسنطينة**، رساله ماجستير في التراث و الدراسات الاثرية، قسم التاريخ و الآثار، معهد العلوم الانسانية و الاجتماعية، جامعة منتورى قسنطينه.
۵۶. قرضاوى، يوسف (۲۰۰۶م). **قضايا الاسلام المعاصرة**، القاهرة، مكتبة وهبة.
۵۷. قرطبی، محمد بن احمد (۲۰۰۶م). **الجامع لاحكام القرآن و المبين لما تضمن من السنة و أحكام الفرقان**، تحقيق عبدالله بن عبدالمحسن التركي، بيروت، مؤسسه الرسالة، ط ۱.
۵۸. كاسسه، أنتونيو (۱۳۸۵ش). **حقوق بين الملل**، ترجمه حسين شريفی، تهران، میزان، ج ۱.
۵۹. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بی تا). **كشف الغطاء عن مهمات الشريعة الغراء**، قم، دفتر تبلیغات

اسلامی.

۶۰. کتان، هنری (۱۳۶۸ش)، **فلسطين و حقوق بين الملل**، ترجمه غلامرضا فدایی، تهران، امیرکبیر، چ اول.
۶۱. کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمان (۲۰۱۲م). **معالم المدينة المنورة**، مدینه منوره، شركة سرورات للطباعة و النشر، ط ۲.
۶۲. گلپایگانی، سیدمحمدرضا. **تقریرات الحج**، قابل مشاهده در: <https://lib.eshia.ir/10079/1/1>
۶۳. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). **قواعد فقه**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ دوازدهم.
۶۴. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، به کوشش گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیته علیه السلام، قم، مؤسسه آل‌البیته علیه السلام، چ ۲.
۶۵. محمد، قن (۲۰۱۵ق). **الاطار القانوني و المؤسساتی للممتلكات الثقافية العقارية فی الجزائر**، الاستاذ المشرف بشار رشید، كلية الحقوق، جامعة زیان عشاور بالجلفة.
۶۶. مراغی، سیدمیر عبدالفتاح الحسینی (۱۴۱۷م). **العناوين الفقهية**، قم، مؤسسه

النشر الاسلامی، ط ۲.

۶۷. مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۶۴س). **تاریخ گزیده**، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چ ۲.
۶۸. مسلم بن حجاج (بی‌تا). **صحیح مسلم**، تحقیق محمد فؤادعبدالباقی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۶۹. مظاهری، حسین (۱۳۸۹س). **احکام اقتصادی اسلام در مورد زمین**، قم، مرکز مدیریت حوزه قم، چ ۱.
۷۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید، ط ۲.
۷۱. \_\_\_\_\_ (بی‌تا). **المقتعة فی الاصول والفروع**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ط ۱.
۷۲. نجمی، محمدصادق (۱۳۸۰ش)، **تاریخ حرم ائمه بقیع علیهم السلام و آثار دیگر در مدینه منوره**، تهران، مشعر، چ اول.
۷۳. نراقی، احمد بن مهدی (ش ۱۳۷۵). **عوائد الایام**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ط ۲.
۷۴. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق). **مستدرک سفینه البحار**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ط ۱.

منابع انگلیسی

83. González, Lucas I (2012). Political Power, Fiscal Crises, and Decentralization in Latin America: Federal Countries in Comparative Perspective (and some Contrasts with Unitary Cases). the Journal of Federalism, Oxford University Press, 38, 2, 202-217.
84. Linda, J Pike (2021). Encyclopedia of Disputes Installment 10, Elsevier, oct 7, 2021 AP
85. Scott, Anderson., & Schwartz, Yishai (2017). How to Move the U.S. Embassy to Jerusalem. (2017, 11 30). Retrieved from Foreign Policy: <http://foreignpolicy.com/2017/11/30/how-to-move-the-u-s-embassy-to-jerusalem/>

۷۵. والاس، ربکا (۱۳۸۷ش). حقوق بین الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی، تهران، شهر دانش، چ ۲.
۷۶. وجدانی فخر، قدرت‌الله (۱۴۱۷ق). الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، قم، سماء قلم، چ دوم.
۷۷. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق). منهج الصالحین، قم، مدرسه امام باقر (ع)، ط ۳.
۷۸. هاشمی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۴ش). «مکان‌های مقدس در آموزه‌های اسلامی و حقوق بین الملل»، میقات حج، دوره ۲۴، شماره ۱ (پیاپی ۹۳)، ص ۲۱-۴۳.
۷۹. هندی، حافظ‌محمد (۱۳۸۶ش). تذکرة الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق، به کوشش رسول جعفریان و اسرا دوغان، قم، نشر مشعر، چ ۱.
۸۰. هویدی بغدادی، محمد (بی‌تا). التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، قم، ذوی لقربی.
۸۱. یحیاوی، عمر (۲۰۰۵م). نظریة المال العام، الجزائر، دارهومه، ط ۲.
۸۲. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۴ق). تکملة العروة الوثقی، قم، کتابفروشی داوری، ط ۳.